



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Extent and Variety of Allegories; one of the Stylistic Features of Jami's Poetic Works

H. Nejadfallah, R. Sameizadeh*, M. Shafi Safaari

Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini University, Qazvin, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 01 June 2019

Reviewed: 14 July 2019

Revised: 11 August 2019

Accepted: 17 September 2019

KEYWORDS

Jami, Haft Orang, allegory, allegorical story, formal analysis, content analysis

*Corresponding Author

✉ reza.samizade@yahoo.com

☎ (+98 28) 33901623

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Haft Orang of Jami and his three divans are full of allegories or allegorical stories. Allegory, whether short or long, has a narrative structure. In this research we have analyzed the position of allegory in the poems of *Haft Orang* Jami and his three divans in terms of quantity and quality of allegories and their advantages, innovations and disadvantages. We have also examined six allegories of different types in terms of forms and content. In formal analysis, the type of allegory in terms of number of verses and animal or non-animal character, syntactic abstract, specialization and description and in content analysis, the background verses prepare the audience's mind, desire (story character desire), obligation (law), we have dealt with the treatment of desire and obligation and the message of allegory

METHODOLOGY: the present research has been done in a descriptive- analytical manner using library sources, and the study area is Haft Orang Jami and his three divans

FINDINGS: formal analysis of these allegories, the multiplicity of verses, the variety of subjects, accurate and expressive descriptions and their content analysis, by addressing the desired quality of conveying the message, explains, Jami's mystical view

CONCLUSION: Jami has used illustration and atmosphere to describe the characters of the story and its credibility to the audience and introduction to accept the story and message in the mind of the audience. Desire and obligation in the structure of allegories also play an important role in the formation and development of the story and conveying the message of allegory. The opposition of obligation to ill-considered desire is seen in most allegories, and of course sometimes the right and logical desire is in the same direction as obligation, and it is obtained that this expresses Jami's mystical view and his order to be satisfied with his contentment and to know his limits and to deny extravagance and greed.

DOI: [10.22034/JSPPP.2020.03.07](https://doi.org/10.22034/JSPPP.2020.03.07)

NUMBER OF REFERENCES



18

NUMBER OF TABLES



0

NUMBER OF FIGURES



0

نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

گسترده‌گی و گوناگونی استفاده از تمثیل، یکی از ویژگی‌های سبکی آثار منظوم جامی

هادی نژادفلاح، رضا سمیع زاده*، محمدشفیع صفاری
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

زمینه و هدف: هفت اورنگ جامی و سه دیوانش، سرشار از تمثیلهای داستان‌های تمثیلی است. تمثیل، چه کوتاه و چه بلند، ساختاری داستانی و روایی دارد. در این پژوهش، به تحلیل جایگاه تمثیل در منظومه‌های هفت اورنگ جامی و سه دیوان وی از نظر کمیت و کیفیت تمثیلهای و محاسن، نوآوریها و معایب آن پرداخته ایم. همچنین، شش تمثیل از انواع مختلف را از نظر صوری و محتوایی بررسی کرده ایم. در تحلیل صوری، به نوع تمثیل از نظر تعداد ابیات و گونه حیوانی یا غیرحیوانی شخصیت، چکیده نحوی، فضاسازیها و توصیفها و در تحلیل محتوایی، به ابیات پیش زمینه آماده ساز ذهن مخاطب، تمنا (خواسته شخصیت داستان)، الزام (قانون)، برخورد تمنا و الزام و پیام تمثیل پرداخته ایم.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، و محدوده مورد مطالعه، هفت اورنگ جامی و سه دیوان او است.

یافته‌ها: تحلیل صوری این تمثیلهای، کثرت ابیات، تنوع موضوعات، توصیفهای دقیق و رسا، و تحلیل محتوایی آنها، با پرداختن به کیفیت مطلوب رساندن پیام، نظر عرفانی جامی را تبیین میکنند.

نتیجه‌گیری: جامی از تصویرسازی و فضاسازی برای توصیف شخصیت‌های داستان و باورپذیری آن برای مخاطب، و از مقدمه‌چینی برای پذیرش داستان و پیام در ذهن مخاطب استفاده کرده است. تمنا و الزام در ساختار تمثیل‌ها نیز نقش به‌سزایی در شکل‌گیری و پیشرفت داستان و رسانش پیام تمثیل دارد؛ تقابل الزام با تمنا، نسنجیده در بیشتر تمثیلهای دیده می‌شود و البته گاهی نیز تمنا بجای و منطقی هم‌جهت با الزام است و به دست می‌آید که این امر بیانگر دید عرفانی جامی و سفارش وی به قناعت و بسنده کردن به داشته‌های خویش و شناختن حد و اندازه خود و نفی زیاده‌خواهی و طمع است.

تاریخ دریافت: ۱۱ خرداد ۱۳۹۸

تاریخ داوری: ۲۳ تیر ۱۳۹۸

تاریخ اصلاح: ۲۰ مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۶ شهریور ۱۳۹۸

کلمات کلیدی:

جامی، هفت اورنگ، تمثیل، داستان تمثیلی، تحلیل صوری، تحلیل محتوایی.

* نویسنده مسئول:

✉ reza.samizade@yahoo.com

① ۳۳۹۰۱۶۲۳ (۲۸ ۹۸+)

مقدمه

تمثیلها بیشتر جنبهٔ اقناعی و تکمیلی برای کلام گوینده دارند و به عنوان الگویی برای پرورش مطالب به کار می‌روند و بسامد کاربردشان با توجه به نوع ادبی (ژانر) ممکن است کم یا زیاد باشد. در صورت وجود محدودیتهایی همچون کمی زمان، کاربرد مثلها مناسب، موثر و کارساز است. تمثیل میتواند کوتاه‌ترین شکل ممکن را داشته باشد؛ یعنی یک گزاره یا یک بیت یا حتی یک مصراع باشد و یا آنکه به اندازهٔ یک داستان بلند باشد و با شخصیت‌های گوناگون و اتفاقات متنوع همراه باشد؛ اما در هر حال، هدف از تمثیل بیان ساده یا گاهی رمزگونهٔ یک معنی است و جامی توانسته است با قدرت معلومات و اطلاعات گستردهٔ خود، این سبک را به صلابت گذشتگان سرپا نگهدارد و امثال را در سراسر آثارش فراوان و بجا به کار گیرد.

در این پژوهش، به تحلیل جایگاه تمثیل در منظومه‌های هفت اورنگ جامی و سه دیوان وی از نظر کمیت و کیفیت تمثیلها و محاسن، نوآوریها و معایب آن پرداخته ایم. همچنین، شش تمثیل از انواع مختلف را از نظر صوری و محتوایی بررسی کرده ایم. در تحلیل صوری، به نوع تمثیل از نظر تعداد ابیات و گونهٔ حیوانی یا غیرحیوانی شخصیت، چکیدهٔ نحوی، فضاسازیها و توصیفها و در تحلیل محتوایی، به ابیات پیش زمینهٔ آماده ساز ذهن مخاطب، تمنا (خواستۀ شخصیت داستان)، الزام (قانون)، برخورد تمنا و الزام و پیام تمثیل پرداخته ایم.

پیشینهٔ پژوهش

مقاله‌هایی وجود دارند که به بررسی تمثیلها و داستانهای از ادبیات فارسی پرداخته اند. این مقالات عبارتند از: ۱. ساخت حکایت تمثیلی در هفت اورنگ جامی نوشتهٔ مریم خلیلی جهان تیغ که در مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۸، اسفند ۱۳۸۰ چاپ شده است. ۲. سبک شناسی روایت: الگوی تأویلی خطا - مجازات در حکایتهای عرفانی، نوشتهٔ علیرضا محمدی کله سر که در فصلنامهٔ تخصصی نقد ادبی، سال هشتم، شماره ۳۰ چاپ شده است. ۳. سبک شناسی روایت در داستان کوتاه «چشم شیشه ای» اثر صادق چوبک، نوشتهٔ فردوس آقاگل زاده و حسین رضویان که در نامهٔ نقد/مجموعه مقالات دومین همایش ملی نقد ادبی با رویکرد نشانه شناسی ادبیات چاپ شده است. ۴. تحلیل تمثیل در حکایات روضهٔ خلد مجد خوافی نوشتهٔ فرشته ربیع و عالیہ یوسف فام که در فصلنامهٔ تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، شمارهٔ پیاپی بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۵ چاپ شده است. ۵. تحلیل ساختاری و گفتمانی تمثیل در مرصادالعباد نوشتهٔ بتول واعظ در فصلنامهٔ متن پژوهی ادبی، سال ۲۲، شماره ۷۵، بهار ۱۳۹۷ چاپ شده است. با این حال، هیچ کدام از مقالات یاد شده بجز مورد شماره ۱، به تمثیلهای اشعار جامی نپرداخته اند و آن یک مقاله هم، جایگاه تمثیل در آثار منظوم جامی را به طور کامل بررسی نکرده و این کار، در پژوهش حاضر صورت گرفته است.

بحث و بررسی

تمثیل در یک نگاه

«تمثیل» در فرهنگ اصطلاحات ادبی چنین تعریف شده است: «در اصطلاح آن است که عبارت را در نظم و نثر به جمله ای که مثل یا شبه مثل و دربرگیرندهٔ مطلبی حکیمانه است، بیارایند» (داد، ۱۳۸۳).

بیشتر علمای بلاغت اسلامی تمثیل را نوعی تشبیه میدانند. عبدالقاهر جرجانی درباره تمثیل چنین مینویسد: «آن، تشبیهی است که وجه شبه در آن با نوعی تأویل و توضیح به دست می‌آید» (جرجانی، ۱۳۷۴). سکاکی میگوید: «هرگاه وجه شبه، وصفی غیر حقیقی و برگرفته از امور متعدد باشد، آن تشبیه، تمثیل خوانده میشود» (سکاکی، ۶۰۸ ق). تمثیل از شگردهای زیبایی‌آفرینی در کلام و نوعی استعاره است که زیرساخت تشبیهی دارد. این عنصر خیال‌انگیز گاهی در شکل حکایت ارائه میشود و در این صورت، علاوه بر بعد زیباسازی، به تحلیل و تأویل متن نیز می‌پردازد و اندیشه‌ای انتزاعی را برای مخاطب خود محسوس و قابل دریافت میگرداند (خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۰). «گاهی نیز به انواع گوناگون داستان یا حکایاتی گفته میشود که ممکن است از نظر طول داستان و نوع شخصیت‌ها با یکدیگر فرق داشته باشند اما همه را جدا از شکل ویژه آنها، مثل یا تمثیل میخوانند» (پورنامداریان، ۱۳۷۵). در مباحث بلاغی فارسی و عربی، تمثیل از خانواده تشبیه و استعاره است که از حدّ یک یا چند جمله فراتر نمی‌رود، اما در آثار ادبی فارسی، اصطلاح تمثیل غالباً همراه با حکایت و قصّه آمده است که همان «تمثیل داستانی» (الیگوری^۱) است (فتوحی، ۱۳۸۹). «تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هرچند معنای ظاهری دارد اما مراد گوینده معنای کلی دیگری است» (شمیسا، ۱۳۷۴). تمثیل داستانی یا الیگوری، روایت گسترش یافته‌ای است دارای حداقل دو لایه معنایی که لایه نخست، صورت قصّه (اشخاص و حوادث) و لایه دوم معنای عمیق تری است که به آن «روح تمثیل» میگویند (فتوحی، ۱۳۸۹).

از میان نظریه پردازان ادبی غرب، کادن^۲ تمثیل را چنین تعریف میکند: تمثیل حکایتی است در نثر یا نظم با دو معنی: معنی نخستین یا معنی ظاهری و معنی ثانویه. تمثیل یک داستان است. بنابراین، میتوان آن را در دو و گاهی تا سه لایه یا سطح فهمید و خواند. در واقع، تمثیل راهی است برای بیان احساس و تفکر درباره اشیا و نوع نگاه به آنها (Cuddon, 1995). تمثیل، روایتی داستانی است که در آن، موجودات و کنش‌ها به گونه‌ای است که معنای منسجمی ظاهری و اولیه بر مبنای سطح دلالتی دارد و در همان حال، معنا و مفهومی ثانویه هم دارد که متناظر با موجودات، مفاهیم و رخدادهایی دیگر است (Abrams, 1993). لوفلر تمثیل را ابزاری مقتصدانه برای بیان تعریفی طولانی یا بیان یک رشته معانی هم‌سنخ و موجب صرفه‌جویی در اعمال ذهنی میدانند (لوفلر، ۱۳۶۴). تمثیل، استعاره‌ای گسترده است که در آن، شخصیت‌ها، کنش‌ها و صحنه‌ها به گونه‌ای نظام‌مند نمادین میشوند و بر مفاهیم ثانویه‌ای دلالت میکنند (Fowler & Childs, 2006). هرمن تمثیل را به گفته سیسرو در کتاب «خطیب» وی، توالی استعاره‌ها میخواند (Herman & Other, 2005). به نظر نگارندگان، در کنار دسته بندی تمثیل به: تشبیه، استعاره تمثیلیه، مَثَل، اسلوب معادله (مدعامثل)، داستان کوتاه تمثیلی، فابل (تمثیل حیوانی)، پارابل (تمثیل غیرحیوانی)، اگزومپلوم (مثالک) و داستان رمزی، تمثیل در آثار منظوم را میتوان چنین تقسیم بندی کرد: ۱. تمثیل تک مصراع یا تک بیت (از نوع تشبیه، استعاره تمثیلیه، مَثَل و اسلوب معادله)، ۲. تمثیل به صورت خوشه‌ای از ابیات و ۳. تمثیلی بودن تمام یک اثر که گاهی رمزی است و معمولاً شاعر آن را رمزگشایی میکند؛ مانند، سلمان و اقبال جامی.

تنوع تمثیل در اشعار جامی

الف) از نظر تعداد ابیات: تمثیلهای آثار منظوم جامی شامل هفت منظومه مثنوی هفت اورنگ

1. Allegory

2. J. A. Cuddon

و سه دیوان وی، شامل چهار گونه است:

(۱) داستان تمثیلی بلند (دارای بیش از ده بیت)

(۲) داستان تمثیلی کوتاه (دارای یک تا ده بیت)

(۳) مَثَل (یک مصراع یا یک بیت)

(۴) اسلوب معادله

(ب) تنوع تمثیل از نظر شخصیت: در آثار منظوم جامی، تمثیلها از هر دو نوع قابل (دارای شخصیت حیوانی) و پارابل (دارای شخصیت غیرحیوانی) دیده میشود. از ۵۰۵ تمثیل، ۶۵ تمثیل (۱۲/۸۷ درصد) شخصیت یا شخصیت‌های حیوانی دارد و ۴۴۰ تمثیل (۸۷/۱۲ درصد) دارای شخصیت یا شخصیت‌های غیرحیوانی است.

کثرت تمثیل‌های جامی و تعداد ابیات آن

تعداد زیاد تمثیل در آثار منظوم جامی قابل توجه است. جامی در منظومه هفت اورنگ و سه دیوانش ۵۰۵ تمثیل از چهار نوع بالا شامل ۴۳ داستان تمثیلی بلند، ۱۴۳ داستان تمثیلی کوتاه، ۲۴۷ مثل و ۷۱ اسلوب معادله به کار برده است. بنابراین از ۵۰۵ تمثیل موجود در آثار منظوم جامی، ۸/۵۱ درصد داستان تمثیلی بلند، ۲۸/۳۱ درصد داستان تمثیلی کوتاه، ۴۸/۹۱ درصد مثل و ۱۴/۰۵ درصد اسلوب معادله است. همچنین از نظر تعداد ابیات تمثیلها:

- در ۶۳۵۵ بیت سلسله الذهب ۵۷۶ بیت (۹/۰۶ درصد)،

- در ۱۱۳۰ بیت سلامان و ابسال ۲۱۳ بیت (۱۸/۸۴ درصد)،

- در ۱۷۱۲ بیت تحفه الاحرار ۲۱۹ بیت (۱۲/۷۹ درصد)،

- در ۲۸۷۳ بیت سبحة الابرار ۲۸۸ بیت (۱۰/۰۲ درصد)،

- در ۴۰۳۲ بیت یوسف (ع) و زلیخا ۱۷۶ بیت (۴/۳۶ درصد)،

- در ۳۸۶۰ بیت لیلی و مجنون ۱۱۲ بیت (۲/۹ درصد)،

- در ۲۳۱۵ بیت خردنامه اسکندری ۱۳۵ بیت (۵/۸۳ درصد)،

- در ۹۳۹۶ بیت فاتحه الشباب ۱۰۴ بیت (۱/۱ درصد)،

- در ۴۴۷۸ بیت واسطه العقد ۲۶ بیت (۰/۵۸ درصد) و

- در ۲۷۵۳ بیت خاتمه الحیات ۱۹ بیت (۰/۶۹ درصد) به تمثیل اختصاص یافته است و در مجموع در ۳۸۹۰۴ بیت آثار منظوم جامی، ۱۸۶۸ بیت (۴/۸ درصد) تمثیل وجود دارد.

بیشترین فراوانی تمثیل از نوع اسلوب معادله و مثل در سه دیوان جامیست: فاتحه الشباب ۹۸ تمثیل (۵۶ مثل و ۴۲ اسلوب معادله)، واسطه العقد ۲۶ تمثیل (۱۲ مثل و ۱۴ اسلوب معادله) و خاتمه الحیات ۱۶ تمثیل (۱۵ مثل، ۱ اسلوب معادله) و تمثیل از نوع داستانهای تمثیلی بلند و کوتاه در سه دیوان دیده نمیشود.

فراوانی انواع تمثیل در منظومه های هفت اورنگ جامی: سلسله الذهب ۵۶ تمثیل (۱۷ داستان تمثیلی بلند، ۲۷ داستان تمثیلی کوتاه و ۱۲ مثل)، سلامان و ابسال ۳۱ تمثیل (۵ بلند، ۱۵ کوتاه و ۱۱ مثل)، تحفه الاحرار ۵۵ تمثیل (۴ بلند، ۲۱ کوتاه، ۲۹ مثل و ۱ اسلوب معادله)، سبحة الابرار ۵۹ تمثیل (۱۲ بلند، ۲۲ کوتاه، ۲۳ مثل و ۲ اسلوب معادله)، یوسف (ع) و زلیخا ۱۰۵ تمثیل (۳۵ کوتاه، ۶۳ مثل و ۷ اسلوب معادله)، لیلی و مجنون ۵۱ تمثیل (۱ بلند، ۲۰ کوتاه، ۲۶ مثل و ۴ اسلوب معادله) و خرد نامه اسکندری ۸ تمثیل (۴ بلند، ۳ کوتاه و ۱ مثل).

بررسی سبک تمثیلی جامی

الف) محاسن

۱) آوردن خلاصه تکراری بعضی از تمثیلهای داستانی در یک مصراع یا یک بیت، مانند؛ خلاصه تمثیل «راه داشتن دل به دل» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۸ جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ)، در غزل ۱۵۰ فاتحه الشباب (در بیت شماره ۲۸۵۰ از جلد ۱ دیوان جامی)، خلاصه تمثیل «عشق گلخنی به شاهزاده» در سلسله الذهب (در ابیات ۴۴۲۰ تا ۴۴۳۲ جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، در غزل ۲۳۶ فاتحه الشباب (در بیت شماره ۳۴۶۰ از جلد ۱ دیوان جامی)، خلاصه تمثیل «زنگی و آیین» در سلسله الذهب (در ابیات ۵۲۲۳ تا ۵۲۳۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، و در تحفه الاحرار (در ابیات ۱۴۹۲ تا ۱۵۰۶ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، در غزل ۲۵۷ در فاتحه الشباب (در بیت ۳۵۰۹ از جلد ۱ دیوان جامی)، خلاصه تمثیل «زاغ و کبک» در تحفه الاحرار (در ابیات ۱۴۲۸ تا ۱۴۴۹ جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، در غزل ۵۱۵ در فاتحه الشباب (در بیت ۵۴۳۹ از جلد ۱ دیوان جامی)، خلاصه تمثیل «باز و تار عنکبوت» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۲۴۸۷ تا ۲۴۹۲ جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ)، در غزل ۴۰ در فاتحه الشباب (در بیت ۲۰۵۷ از جلد ۱ دیوان جامی)، و خلاصه تمثیل «زاغ کور بر لب دریای شور» در ابیات ۶۲۵ تا ۶۳۴ سلامان و اقبال در صفحه ۴۲۳ جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ، و در بیت ۱۷۸۵ سلسله الذهب در صفحه ۱۵۱ جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ.

۲) آوردن تمثیلهای یک بیتی متنوع هم مفهوم پیاپی (وحدت موضوع و تنوع تمثیلهای)، مانند؛ هفت تمثیل «دور از دسترس بودن زلیخا» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۹۶۲ تا ۹۶۶ و ۹۶۹ تا ۹۷۰ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ)، پنج تمثیل «دلباخته دیگری بودن» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۱۲۰۳ تا ۱۲۰۷ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ)، هفت تمثیل «نکوهش پرگویی و ستودن خاموشی» در تحفه الاحرار (در ابیات ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۹ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و پنج تمثیل «بخل شدید خواجه» در سلسله الذهب (در ابیات ۲۸۱۵ تا ۲۸۱۹ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ).

۳) آوردن داستانهای تمثیلی کوتاه چند بیتی هم مفهوم پیاپی، مانند؛ سه تمثیل «لاف و ادعای پوچ» در سلسله الذهب (در ابیات ۳۰۱۵ تا ۳۰۲۰ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، سه تمثیل «نتیجه خلاف انتظار» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۱۱۱۴ تا ۱۱۲۵ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ) و دو تمثیل «از آغاز جلوی مشکلی را گرفتن» در لیلی و مجنون (در ابیات ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۲ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ) و تمثیل «پنهان نماندن عشق» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۶۸۸ تا ۶۹۱ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ).

۴) توصیفهای رسا مانند توصیف پوشش گیاهی رنگارنگ دامنه کوه که شاعر آن را بازتابی از سنگهای قیمتی پنهان در درون وصف میکند در تمثیل «زاغ و کبک» از تحفه الابرار (در ابیات ۱۴۳۳ و ۱۴۳۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و توصیف ظاهر و رفتار کبک در همان تمثیل (در ابیات ۱۴۳۵ تا ۱۴۴۱ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ).

۵) فضا‌سازیهای ذهن‌پذیر مانند فضا‌سازی در تمثیل «گازر، کلنگ و باز» در سلسله الذهب (در ابیات ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۹ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل کشف و دو بط در تحفه الاحرار (در ابیات ۱۰۷۴ تا ۱۰۸۷ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و تمثیل «خرس آب آورده» در سلسله الذهب (در ابیات ۳۴۰۷ تا ۳۴۱۶ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ).

ب) نو آوریها

۱) آوردن پیش‌پی رفتهای رسا و دقیق زمینه‌پرداز ذهنی پیش از پرداختن به تمثیل، مانند؛

تمثیل «هرکاری راهی دارد» در سلسله الذهب (در ابیات ۱۸۷۴ تا ۱۸۸۳ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «خود را در شلوغی گم کردن» در سلامان و اقبال (در ابیات ۱۸ تا ۲۱ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «شاه بیمار و دو طبیب» (در ابیات ۶۰۸ تا ۶۱۱ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «نکوهش هوای نفس» در تحفه الاحرار (در ابیات ۸۶۹ و ۸۷۰ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و تمثیل «عاشق عشق شدن» در سلسله الذهب (در ابیات ۴۴۳ تا ۴۴۳۷ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ).

۲) داستان سازی و پرورش موضوع (تازه سازی تمثیل به گونه ای دیگر)، مانند؛ تمثیل «زن بیوه و دو خیک روغن» در موضوع اسیر هوای نفس شدن در سلسله الذهب (در ابیات ۲۶۹۱ تا ۲۷۲۲ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) برگرفته از مثل عربی «أشغل من ذات النحیین». جامی این تمثیل عربی را تازه سازی کرده و با فضا سازی بدیع و استادانه، از آن برای نظر عرفانی پرهیز از گرفتار و اسیر هوای نفس شدن بهره گرفته است.

ج) معایب

۱) تکرار یک تمثیل در دو منظومه، مانند؛ تمثیل «زنگی و آینه» در سلسله الذهب (در ابیات ۵۲۲۳ تا ۵۲۳۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و تحفه الاحرار (در ابیات ۱۴۹۲ تا ۱۵۰۶ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «همنشینی زاغ و کبوتر هردو لنگ» در سلسله الذهب (در ابیات ۵۲۴۵ تا ۵۲۵۶ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و سبحة الابرار (در ابیات ۲۳۲۸ تا ۲۳۳۷ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «دودله بودن در عشق ورزی» در تحفه الاحرار (در ابیات ۱۵۳۳ تا ۱۵۵۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و سبحة الابرار (در ابیات ۱۵۳۵ تا ۱۵۵۳ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «میوه از میوه رنگ میگیرد» در سلسله الذهب (در بیت ۱۹۱۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و یوسف (ع) و زلیخا (در بیت ۲۱۷۶ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ)، تمثیل «راستین بودن و پایداری صبح صادق و دروغین بودن و ناپایداری صبح کاذب» در سبحة الابرار (در ابیات ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۴۰۱ و ۴۰۲ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ) و تمثیل «پنهان نماندن زیبا» در تحفه الاحرار (در ابیات ۶۷۰ تا ۶۸۲ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۳۱۶ تا ۳۲۱ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ).

۲) تکرار یک تمثیل در یک منظومه: تمثیل «یک کفش و دو پا» در لیلی و مجنون دوبار آمده است (در بیت ۹۳۹ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ) و (در بیت ۲۴۶۵ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ). تمثیل «پشت خمیدگی در پیری» در تحفه الاحرار سه بار آمده است (در ابیات ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)، (در ابیات ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ) و (در ابیات ۱۴۰۷ تا ۱۴۰۹ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ).

تحلیل صوری و محتوایی نمونه هایی از انواع تمثیل

در این پژوهش، شش تمثیل شامل دو داستان تمثیلی بلند، دو داستان تمثیلی کوتاه، یک مثل و یک اسلوب معادله از نظر صوری و محتوایی تحلیل میشود. در تحلیل صوری، به نوع تمثیل از نظر تعداد ابیات و گونه حیوانی یا غیرحیوانی شخصیت پرداخته شده است، ابیات متعدد حکایات تمثیلی را به چکیده نحوی کاهش داده شده است و فضا سازی برخورد شخصیتها و توصیفهای دقیق و رسای فضا و شخصیتهای داستان مورد توجه قرار گرفته است و در تحلیل محتوایی، ابیات پیش زمینه آماده ساز ذهن مخاطب، تمنا و خواسته شخصیت داستان، الزام

و قانون فضای تمثیل، برخورد تمنا و الزام و نتیجه آن که بنا بر چگونگی تمنا، مانع خواسته نسنجیده و همراهی با خواسته سنجیده و منطقیست و پیام تمثیل مطرح شده است.

• دو نمونه داستان تمثیلی بلند

الف) داستان تمثیلی بلند «زاغ و کبک»: تمثیل زیاده خواهی و تقلید زاغی که خواست، راه رفتن کبک را تقلید کند و نتوانست و روش خویش را هم فراموش کرد و از کم خود بازماند در تحفه الاحرار (در ابیات ۱۴۲۸ تا ۱۴۴۹ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)

* تحلیل صوری

۱) نوع تمثیل: فابل است و با توجه به تعداد ابیات (بیش از ده بیت)، آن را تمثیل داستانی بلند به شمار می‌آوریم.

۲) چکیده نحوی: زاغی از باغ زیستگاهش به دشتی کوچ کرد و در آن جا کبکی را دید که زیبا راه میرفت و خوش می‌خرامید. زاغ دلدادۀ روش کبک شد و تصمیم گرفت با تقلید کردن از کبک، مانند او راه برود که در این آموختن ناموفق بود و روش راه رفتن خود رانیز فراموش کرد.

۳) فضا سازی برخورد شخصیتها:

زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

۴) توصیفهای دقیق و رسا: زیباسازی ماهرانه جامی - توصیف فضای داستان:

عرضه ده مخزن پنهان کوه
داده ز فیروزه و لعلش نشان

دید یکی عرصه به دامن کوه
سبزه و لاله چو لب مهوشان

- توصیف شخصیت‌های داستان:
- توصیف زاغ:

خال سیه گشت رخ راغ را

زنگ زدود آینه باغ را

- توصیف کبک:

شاهد آن روضۀ فیروزه فام
دوخته بر صُدره سَجاف دورنگ
بر همه از گردن و سر سرفراز
کرده ز چُستی به سر تیغ جای
پی سپرش هم ره و هم بیرهه
خوش پرش و خوش روش و خوش خرام
هم خطواتش متقارب به هم

نادره کبکی به جمال تمام
فاخته گون صُدره به بر کرده تنگ
تیهو و درّاج بدو عشقباز
پایچه ها برزده تا ساق پای
بر سر هر سنگ زده قهقهه
تیزرو و تیزدو و تیزگام
هم حرکاتش متناسب به هم

* تحلیل محتوایی

۱) پیش زمینه: این ابیات زمینه ذهنی مخاطب را برای دریافت تمثیل آماده می‌سازد و بقیۀ ابیات تنۀ اصلی تمثیل است.

دست خود از دامن خدمت مدار
راه ارادت به امانی مپوی
مانی از آداب جوانیت باز

تا نشوی پیر چو پیران کار
پایۀ پیری به جوانی مجوی
ترسمت آن پایه نگردد به ساز

۲) تمنا: آرزویی از نوع نسنجیده در ذهن زاغ شکل می‌گیرد

زان چو دید آن ره و رفتار را	وان روش و جنبش هموار را
با دلی از دور گرفتار او	رفت به شاگردی رفتار او
بازکشید از روش خویش پای	وز پی او کرد به تقلید جای
بر قدم او قدمی میکشید	وز قلم پا رقمی میکشید
در پیش قصه در آن مرغزار	رفت بر این قاعده روزی سه چار

(۳) الزام

هرکس ازین دایره تیزرو هست درین دیر به واری گرو
(۴) برخورد تمنا با الزام و نتیجه آن: به دلیل نسنجیده بودن تمنا، الزام آن را به شکست میکشاند

عاقبت از خامی خود سوخته ره روی کبک نیاموخته
کرد فراموش ره و رفتار خویش ماند غرامت زده از وار خویش
(۵) پیام تمثیل: توجه به الزامها و همراه کردن آن با تمناهای سنجیده و منطقی برای جلوگیری از شکست و دستیابی به موفقیت.
زاغ به آرزوی فراتر از توانش نمیرسد و شکست میخورد؛ همچنین زیان میبیند، زیرا راه رفتن خویش را هم فراموش میکند.
(ب) داستان تمثیلی بلند « گازر، کلنگ و باز»: تمثیل هوس زیاده خواهانه کلنگی (دُرنا) برای شکار کبوتر و ناتوانیش در شکار و سرنگونی در گل ولای و شکار شدنش به دست گازر. در سلسله الذهب (در ابیات ۱۸۲۳ تا ۱۸۲۶ و ۱۸۳۲ تا ۱۸۶۰ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ).

* تحلیل صوری

(۱) نوع تمثیل: بخش نخست تمثیل از نوع فابل و بخش دومش از نوع پارابل است و با توجه به تعداد ابیات (بیش از ده بیت)، آن را تمثیل داستانی بلند به شمار میآوریم.
(۲) چکیده نحوی: گازری هرروز در کنار رود دجله هنگام کار رختشویی اش، کلنگی را میبیند که سرگرم شکارکردن و خوردن کرمهای گل ولای کنار رود است. روزی کلنگ، بازی را میبیند که کبوتری شکار میکند و کمی میخورد و باقیمانده اش را وامیگذارد. کلنگ هوس میکند که همانند باز، عمل کند؛ بنابراین از گرفتن کرم ها دست میکشد و برای شکار به کبوتری حمله میکند اما نمیتواند کبوتر را شکار کند و خود در گل ولای کنار رود سرنگون و گرفتار میشود. گازر کلنگ را میگیرد و از آن خوراکی برای خود میسازد.

(۳) فضاسازی برخورد شخصیتها

- برخورد هر روزه گازر و کلنگ:

بر لب آب دایما میدید	که کلنگی بزرگ میگردید
----------------------	-----------------------

- برخورد کلنگ و باز:

ناگهان روزی از هوا بازی	تیز پری بلند پروازی
کرد سوی کبوتری آهنگ	نای او را گرفت سخت به چنگ
از سر همت بلند که داشت	اندکی خورد و بیشتر بگذاشت

(۴) توصیفهای دقیق و رسا

- توصیف گازر:

گازری در نواحی بغداد
بر لب دجله گازری کردی
توصیف کلنگ:

بود در کار گازری استاد
روزی خود ز گازری خوردی

بر لب آب دایما میدید
کرمکی چون ز آب بنمودی
به همان از جهان قناعت داشت
داشت با عَزَّ مِنْ قَنَع پیوند
خوار ناکرده ذَلَّ مِنْ طَمَعَش

که کلنگی بزرگ میگردید
نول کردی دراز و بربودی
غیر آن جمله باد میپنداشت
بود پروازگاهش اوج بلند
بود بی ذلت طمع شَبَعَش

(۵) توصیف باز

- تیز پری بلند پروازی

کرد سوی کبوتری آهنگ
از سر همت بلند که داشت

نای او را گرفت سخت به چنگ
اندکی خورد و بیشتر بگذاشت

* تحلیل محتوایی

(۱) پیش زمینه: این ابیات پیش زمینه و بقیه ابیات تنه اصلی تمثیل است.

من ندانم که این جدید کجاست
مدعی کز جدید میلافد
کهنه بگذاشت نارسیده به نو
بی نو و کهنه بر زمین مانده

ذوق نوباوه جدید که راست
تار و پود جدید میبافد
کهنه را ریخت نو نکرده درو
«هم ازان رانده هم ازیں مانده»

مصراع پایانی درون گیومه، ضرب المثل رایج ناظر بر این داستان تمثیلی است.

(۲) تمنای کلنگ: آرزویی از نوع نسنجیده در ذهن کلنگ شکل میگیرد

چون بدید آن کلنگ ساده نهاد
گفت من خود به جثه زو بیشم
باد ازیں کار و بار خویشم شرم
همه عالم پر از وحوش و طیور
بعد ازیں همتی به کار کنم
به جهان در دهم صلاهی کرم
این بگفت و گشاد بال چو باز
از قضا دید کز میان هوا
کرد بر وی به سان باز کمین

آتشی در نهاد او افتاد
شیوه او چرا نیندیشم
که به کرمی شوم چنین دلگرم
چند باشم به کرمکی مغرور
لایق خویشتن شکار کنم
خود خورم طعمه و خورانم هم
از زمین کرد بر هوا پرواز
شد مطوّق حمامه ای پیدا
تا فروگردش به چنگل کین

هر که «افزون کشد قدم ز گلیم
افکند خویش را به ورطه بیم

- الزام:

(۳) برخورد تمنای کلنگ با الزام و نتیجه آن: تمنا به دلیل نسنجیده بودن و نادیده گرفتن الزام، به شکست میانجامد.

سرنگون شد ز بخت بدفرمای
ماند در لای و گل پر و بالش

در غدیری فتاد پر گل و لای
شد به ادبار مبدل اقبالش

۴) تمنای گازر: آرزویی سنجیده و فرصت طلبانه در ذهن گازر شکل میگیرد

دید گازر شکاری بی فح دید گازر شکاری بی فح

- الزام:

ماند در لای و گل پر و بالش شد به ادبار مبدل اقبالش
۵) برخورد تمنای گازر با الزام و نتیجه آن: به دلیل سنجیده بودن تمنا و همراهی الزام با آن، به موفقیت میانجامد.

برگرفتیش روان و با دل شاد رو به خلوتسرای خاآویش نهاد
۶) پیام تمثیل: سنجیده بودن و همجهتی تمناها با الزامها، آنها را دست یافتنی میکند.

کرد شخصی سؤال ازو به شگفت کین چه مرغ است در جوابش گفت
این کلنگیست کرده شهبازی خورده زین صنعت تبه بازی
ساخته از پی شکار فنی کورده خود را شکار همچو منی

آرزوی کلنگ که خواست مانند باز شکار کند و روزی بخورد که با شکست روبرو شد و آرزوی آنی گازر که خواست کلنگ فرومانده در گل ولای را بگیرد و در مطبخش بپزد، برآورده شد. کلنگ الزام «عَزَّ مَنْ قَنَعَ» را با زیاده خواهی اش زیر پا میگذارد و به الزام «ذَلَّ مَنْ طَمَعَ» توجه نمیکند که به نوعی در بر دارنده مجازات ذلت برای کلنگ طمعکار است. همچنین کلنگ الزام «هرکه افزون کشد قدم ز گلیم/ افکند خویش را به ورطه بیم» را ندیده میگیرد و خود را به هلاکت می افکند اما گازر، با رعایت این الزامها و قناعت کردن به درآمد اندک رختشویی، به خوراک کباب کلنگ دست مییابد.

• دو نمونه داستان تمثیلی کوتاه

الف) داستان تمثیلی کوتاه چند بیت: تمثیل «ناتوانی عنکبوت از صید فراتر از توانش» در یوسف (ع) و زلیخا (در ابیات ۲۴۸۷ تا ۲۴۹۲ از جلد ۲ مثنوی هفت اورنگ)

* تحلیل صوری

۱) نوع تمثیل: فابل است و با توجه به تعداد ابیات (کمتر از ده بیت)، آن را تمثیل داستانی کوتاه به شمار میآوریم.

۲) چکیده نحوی: عنکبوتی شهبازی را در جایی نشسته میبیند و میخواهد او را شکار کند. بنابراین با همه توانش دورادور شهباز تار میزند تا او را مهار کند. لختی بعد شهباز به هوا میپرد و برای عنکبوت چیزی جز تارهای پاره پاره اش نمیماند.

۳) فضاسازی برخورد شخصیتها:

عزیمت کرد روزی عنکبوتی که بهر خود کند تحصیل قوتی
به جایی دید شهبازی نشسته ز قید دست شاهان بازسته

۴) توصیفهای دقیق و رسا:

- توصیف عنکبوت: در پی به دست آوردن طعمه

عزیمت کرد روزی عنکبوتی که بهر خود کند تحصیل قوتی

- توصیف شهباز: رهاشده از شاهان و نشسته برای رفع خستگی و پرواز دوباره

شهبازی نشسته ز قید دست شاهان بازسته

* تحلیل محتوایی

(۱) پیش زمینه: گریختن یوسف (ع) از خلوتگاه هفت در زلیخا و این بیت از زبان زلیخا این داستان تمثیلی دارای پیش زمینه یک بیتی است و بقیه ابیات تنه اصلی تمثیل است.

(۲) تمنا: دروغ آن صید کز دامم برون رفت / دروغ آن شهد کز کامم برون رفت

(۳) الزام: شهباز پس از مدتی لزوماً به پرواز درمی‌آید. به گرد او تنیدن کرد آغاز / زمانی کار در پیکار او کرد که بندهد پر و بالش را ز پرواز / لعاب خود همه در کار او کرد / چو آن شهباز کرد از وی کناره...

(۴) برخورد تمنا با الزام و نتیجه آن: تمنا به دلیل نسنجیده بودن و نادیده گرفتن الزام، با شکست روبرو می‌شود.

(۵) پیام تمثیل: چو آن شهباز کرد از وی کناره / نماندش غیر تار چند پاره

تمنای شکار فراتر از توان عنکبوت، بیهوده و ناپخته است و به شکست میانجامد. در این گونه تمثیل‌های کوتاه، بنا بر خلاصه‌گویی است؛ بنابراین ابیات توصیفی فضا ساز و شخصیت پرداز اندک است. (ب) داستان تمثیلی کوتاه یک بیتی (ناظر بر مثل «از چاله به چاه افتادن»): در سلسله الذهب (در بیت ۵۵۱ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)

* تحلیل صوری

(۱) نوع تمثیل: پارابل است و با توجه به یک بیت بودنش، داستان تمثیلی کوتاه شمرده می‌شود.

(۲) چکیده نحوی: فرد روستایی در هوای بارانی، پناهگاهی می‌جوید؛ از بارش باران می‌گریزد و به زیر ناودانی پناه می‌برد و کاملاً خیس می‌شود.

(۳) فضا سازی برخورد شخصیتها: یک شخصیت دارد که با عامل طبیعی باران روبروست.

(۴) توصیف‌های دقیق و رسا: از همین یک بیت توصیف فضای داستان (تندی باران) و توصیف شخصیت داستان (روستایی پناهجوی درمانده) احساس می‌شود

روستایی ز دست باران جست / روستایی ز دست باران جست

* تحلیل محتوایی

(۱) پیش زمینه: ندارد.

این داستان تمثیلی یک بیت دارد که همان تنه اصلی تمثیل است.

(۲) تمنا: آرزوی نسنجیده و شتابزده جستن سرپناه در بارش شدید باران در پای ناودان. روستایی ز دست باران جست...

(۳) الزام: زیر ناودان خیس کننده تر از باران است.

...رفت و در پای ناودان بنشست

(۴) برخورد تمنا با الزام و نتیجه آن: تمنای نسنجیده و شتابزده با نادیده گرفتن الزام، به شکست میانجامد.

(۵) پیام تمثیل:

این تمثیل سفارش به دگرگون کردن وضعیت فعلی با بینش و آگاهی دارد و گرنه وضعیت

بعدی نامطلوب خواهد بود نه مطلوب.
 تمنای پناه جویی اشتباه، سبب میشود که فرد کاملاً خیس شود.
 (ج) مثل «میوه از میوه رنگ و بو میگیرد» (تمثیل تأثیر پذیری از یکدیگر): در سلسله الذهب
 (در بیت ۱۹۱۴ از جلد ۱ مثنوی هفت اورنگ)
 * تحلیل صوری

(۱) نوع تمثیل: مثل است و تنه اصلی آن، یک مصراع است.
 (۲) چکیده نحوی: میوه از میوه، رنگ و بو میگیرد.
 (۳) فضا سازی برخورد شخصیتها: فضای همراهی و در کنار یکدیگر بودن.
 (۴) توصیفهای دقیق و رسا: توصیف فضای داستان، مجاورت و در کنار هم بودن است و توصیف
 شخصیت‌های داستان، میوه رنگ و بو دار و میوه بی رنگ و بو است.

* تحلیل محتوایی
 (۱) پیش زمینه: پیش زمینه یک مصراع دارد
 یار از یار خلق دزد و خوی...
 (۲) تمنا: رنگ و بو گرفتن میوه از میوه دیگر سنجیده، منطقی و همراستا یا الزام است.
 (۳) الزام: ...میوه از میوه رنگ گیرد و بوی
 (۴) برخورد تمنا با الزام و نتیجه آن: تمنای رنگ و بو گرفتن با راهکار درست به نتیجه مورد
 انتظار میرسد.

(۵) پیام تمثیل: همراستایی تمنا با الزام، برآورده شدن خواسته و تمنا در پی دارد.
 (د) اسلوب معادله (تمثیل «تنبیه ناکافی»): در سلسله الذهب (در ابیات ۵۵۲۷ و ۵۵۲۸ از جلد
 ۱ مثنوی هفت اورنگ)

* تحلیل صوری
 (۱) نوع تمثیل: اسلوب معادله است و یک مصراع دارد.
 (۲) چکیده نحوی: فصد (رگ زدن) که روشی درمانی است، اگر به صورت ناقص اجرا شود،
 بیماری را شدیدتر میکند.
 (۳) فضا سازی برخورد شخصیتها: فضای درمانی اجرای فصد و برخورد طبیب و بیمار.
 (۴) توصیفهای دقیق و رسا:
 - توصیف فضای داستان: فضای اجرای روش درمانی فصد که بطور ناقص صورت گرفته و
 بیماری را شدیدتر کرده است.
 - توصیف شخصیت‌های داستان: طبیبی که فصد را ناقص اجرا کرده و بیماری که بیماریش
 شدیدتر شده است.

* تحلیل محتوایی
 (۱) پیش زمینه: پیش زمینه شامل یک بیت و یک مصراع است و یک مصراع پایانی، تنه اصلی
 تمثیل است.

چون سیاست کم از گناه بود مجرمان را چه انتباه بود
 ز جر کم دفع ظلم نتواند...
 (۲) تمنا: آرزوی نسنجیده و غیرمنطقی بهبود یافتن از بیماری با فصد ناقص.
 (۳) الزام: ...فصد ناقص مرض بشوراند
 (۴) برخورد تمنا با الزام و نتیجه آن: به دلیل نسنجیده بودن تمنا و نادیده گرفتن الزام، نتیجه
 مطلوب حاصل نمیشود.

۵) پیام تمثیل: فصد کردن بطور ناقص، تمثایی نسنجیده است که در تقابل با الزام بدترشدن بیماری، به شکست میانجامد.

نتیجه‌گیری

نگاه متنوع جامی به تمثیل و کثرت کاربرد این آرایه بلاغی و نحوه و جایگاه استفاده از آن برای رساندن پیام و تفهیم مطلب به مخاطب به یک از ویژگیهای بارز سبکی شعر اوست. تنوع در کمیت و کیفیت تمثیل در آثار منظوم وی دیده میشود. او استادانه با ابیات زیبا و بدیع، برای پذیراشدن ذهن مخاطب، تصویرسازی و فضا سازی میکند و شخصیت‌های داستان تمثیلی را بخوبی توصیف میکند و میشناساند. بیشتر ابیات تنه اصلی تمثیل، با توصیف‌گری و تصویرسازی، زمینه وقوع حکایت و باورپذیری آن برای مخاطب را فراهم می‌آورند. همچنین جامی پیش از پرداختن به داستان تمثیلی، معمولاً با ابیات پیش زمینه، مقدمه چینی میکند تا ذهن مخاطب را برای پذیرش داستان و پیامش آماده کند که از ویژگیهای سبکی داستانهای تمثیلی منظومه‌های اوست و ما در تحلیل محتوایی به آن پرداخته ایم. همواره برخورد تمنا و الزام در ساختار تمثیل‌ها دیده میشود که نقش بسزایی در شکل‌گیری و پیشرفت داستان و رسانش پیام تمثیل دارد؛ تقابل الزام با تمنا نسنجیده در بیشتر تمثیلهای دیده میشود و البته گاهی نیز تمنا بجای منطق همجهت با الزام است و به دست می‌آید و این امر بیانگر دید عرفانی جامی و سفارش وی به قناعت و بسنده کردن به داشته‌های خویش و شناختن حد و اندازه خود و نفی زیاده‌خواهی و طمع است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین استخراج شده است. جناب دکتر سمیع زاده راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. آقای نژادفلاح به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. جناب دکتر شفیع صفاری نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abrams, M. H., (1993). Glossary of Literary Terms. 6th edition. New York: Harcourt. p. 4.
- Cuddon, J.A., (1995). A Dictionary of Literary terms. 4th edition. Tabriz: Nia. pp. 24-25.
- Dad, S., (2004). Glossary of Literary Terms. Tehran: Morvarid.
- Fotuhi, M., (2010). Imagery Rhetoric. Tehran: Sokhan.
- Fowler, R.; Childs, P., (2006). The Routledge Dictionary of Literary Terms. London and New York: Routledge. p. 4.
- Goldmann, L., (1981). Essays on Method in the Sociology of Literature. Oxford: Basil Blackwell.
- Herman, D.; Manfred, J.; Marie-laure, R., (2005). Routledge Encyclopedia of Narrative Theory. London and New York: Routledge. p. 13.
- Jami, A., (1999). Book of Poems. Vol. 1, 2. Edited by Ala Khan Afsahzad. Tehran: Center for Iranian Studies.
- Jami, A., (1999). Haft Ourang. Vol. 1. Edited by Jabolgha Dadalishah and Asghar Janfada and Zaher Ahrari and Hoseyn Ahmad Tarbiat. Tehran: Center for Iranian Studies.
- Jami, A., (1999). Haft Ourang. Vol. 2. Edited by Ala Khan Afsahzad and Hoseyn Ahmad Tarbiat. Tehran: Center for Iranian Studies.
- Jorjani, A., (1995). Asrar ul-Balaqa. Translated by Jalil Tajlil. Tehran: University of Tehran Press. p. 50.
- Khalili Jahantiq, M., (2001). Structure of allegorical stories in Haft Ourang by Jami. Journal of Humanities (University of Sistan and Baluchestan), Issue Num. 18, pp. 173-182.
- Luffler DeLasho, M., (1985). Cryptographic Language of Myth. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Tous.
- Pournamdarian, T., (1996). Cryptogram and Cryptographic. Tehran: Elmi Farhangi. p. 141.
- Sakaki, Y., (1229). Meftah al-Olum. Beirut: Al-Maktaba al-Elmia al-Jadida. p. 164.
- Shafie Kadkani, M.R., (1987). Imagery Forms in Persian Poetry. Tehran: Agah.
- Shamisa, S., (1995). Rhetoric and Semantics. Tehran: Ferdows. p. 79.
- Taftazani, S., (2004). Al-Motawal. Beirut: Dar al-Ahya al-Tarath al-Arabi.

فهرست منابع فارسی

- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵). رمز و داستانهای رمزی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ص ۱۴۱.
- تفتازانی، سعد الدین، (۲۰۰۴). المطول. بیروت: دار الاحیا التراث العربی.
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۷۸). مثنوی هفت اورنگ. جلد ۱. تصحیح و تحقیق جالبقا دادعلیشاه و اصغر جانفدا و ظاهر احراری و حسین احمد تربیت. تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۷۸). مثنوی هفت اورنگ. جلد ۲. تصحیح و تحقیق اعلاخان افصح زاد و حسین احمد تربیت. تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- جامی، عبدالرحمان، (۱۳۷۸). دیوان جامی. جلد ۱. مقدمه و تصحیح و تحقیق اعلاخان افصح زاد. تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴). اسرار البلاغه. ترجمه دکتر جلیل تجلیل. تهران: انتشارات دانشگاه

تهران. ص ۵۰.
خلیلی جهان تیغ، مریم، (۱۳۸۰). ساخت حکایت تمثیلی در هفت اورنگ جامی. مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۸، صص ۱۸۲-۱۷۳.
داد، سیما، (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: انتشارات مروارید.
سکاکی، یوسف بن ابی بکر، (۶۰۸ق). مفتاح العلوم. بیروت: المكتبة العلمية الجديدة. ص ۱۶۴.
شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه.
شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴). بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوسی. ص ۷۹.
فتوحی، محمود، (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران: انتشارات سخن. صص ۲۵۸-۲۵۷.
گلدمن، لوسین، (۱۳۸۲). نقد تکوینی. ترجمه دکتر محمد غیائی. تهران: انتشارات نگاه.
لوفر دلاشو، مارگارت، (۱۳۶۴). زبان رمزی افسانه ها. ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات توس. ص ۹.

فهرست منابع لاتین

- Abrams, M. H., (1993). Glossary of Literary Terms. 6th edition. New York: Harcourt. p. 4.
- Cuddon, J.A., (1995). A Dictionary of Literary terms. 4th edition. Tabriz: Nia. pp. 24-25.
- Fowler, R.; Childs, P., (2006). The Routledge Dictionary of Literary Terms. London and New York: Routledge. p. 4.
- Herman, D.; Manfred, J.; Marie-Laure, R., (2005). Routledge Encyclopedia of Narrative Theory. London and New York: Routledge. p. 13.

معرفی نویسندگان

هادی نژادفلاح: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(Email: nejad20.fallah@gmail.com)

رضا سمیع زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(نویسنده مسئول: reza.samizade@yahoo.com)

محمد شفیع صفاری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(Email: msh.saffari@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Nejadfallah, H. & Sameizadeh, R. & Shafi Safaari, M. (2020). The Extent and Variety of Allegories; one of the Stylistic Features of Jami's Poetic Works. Journal of the stylistic of Persian poem and prose, 13(49): 105-120.

DOI: [10.22034/JSPPP.2020.03.07](https://doi.org/10.22034/JSPPP.2020.03.07)

url: <https://www.bahareadab.com/pdf/929.pdf>